

طراحی الگوی چالش‌های تدوین سیاستگذاری فضایی مناطق روستایی کشور

سیدعلی بدری، * محمدرضای رضوانی ** و پروین خدادادی ***

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۲۷

در سال‌های اخیر سیاستگذاری روستایی دچار تغییرات اساسی شده و از آنجاکه این سیاستگذاری‌ها عمدتاً در قالب توسعه پایدار و با دیدگاه سرزمینی مطالعه می‌شود، پوشش همگانی همه بخش‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد. در ایران، نبود دیدگاه کل‌نگر در فرایند سیاستگذاری کشور سبب شد تا بخش‌های مختلف در روستاها هر یک به صورت جزیره‌ای عمل کنند و به اصل مکمل بودن مکان‌ها توجه چندانی نشود. هدف این مقاله، طراحی الگوی چالش‌های تدوین سیاستگذاری فضایی مناطق روستایی کشور و ارائه راهکارهای مناسب است. در این پژوهش از نظریه داده‌بنیاد برای استخراج و تحلیل داده‌ها در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد. برای دستیابی به اشیاع نظری، با بهره‌گیری از نمونه‌گیری نظری و روش گلوله‌برفی، نظر ۱۴ نفر از نخبگان (افراد صاحب‌منصب در دستگاه‌های متولی توسعه روستایی) با مصاحبه نیمه‌ساختار یافته و به صورت انفرادی کسب شد. بر این اساس، «سیاستگذاری بخشی، متمرکز و بالا به پایین» طبقه‌محوری شناسایی شد. نتایج نشان داد ضعف بنیان‌های اندیشه‌ای و نظری سیاستگذاری روستایی در ایران مهم‌ترین عامل در پیدایش، قوام و دوام سیاستگذاری متمرکز، بخشی و بالا به پایین عمل کرده است. در عین حال سیاست‌های تدوین شده از منظر نهادی و سرزمینی یکپارچه نیستند و همچنین، فرایند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی منسجم و متصل نبوده و بازخورد مناسب شکل نمی‌گیرد. از این رو می‌توان گفت در وضعیت کنونی توجه به سیاستگذاری یکپارچه بخشی - فضایی ضرورت دارد. این ضرورت باید با توجه به تمرکززدایی اداری - فضایی و سیاستگذاری یکپارچه سرزمینی فراهم شود که پیامد آن کاهش نسبی بخشی‌نگری و توجه به سیاست‌های فضایی در نظام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کشور است.

کلیدواژه‌ها: سیاستگذاری؛ سیاستگذاری فضایی؛ مناطق روستایی؛ نظریه داده‌بنیاد

Email: sabadri@ut.ac.ir

* دانشیار دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛

Email: rrezvani@ut.ac.ir

** استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران؛

*** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران؛

Email: khodadadi@yahoo.com

مقدمه

آینده توسعه مناطق روستایی، موضوعی اجتناب‌ناپذیر در برنامه‌های سیاست‌گذاران، تصمیم‌سازان، محققان و نیازمند تحلیل کامل مطالعات آینده‌نگر و تدوین سیاست‌های توسعه‌ای مناسب است (Torre and Wallet, 2016: 2).

سیاست‌گذاری توسعه روستایی^۱ جنبه‌هایی از اقدام‌های دولتی است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، ماهیت توسعه اقتصادی، اجتماعی و کالبدی نواحی روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عناصر کلیدی در سیاست‌گذاری فضایی روستایی شامل مکان‌ها^۲، مردم^۳ و فعالیت‌ها^۴ هستند. برای مؤثر واقع شدن سیاست‌های فضایی در توسعه روستایی، باید سه بعد معین زندگی روستایی (مردم، مکان و فعالیت اقتصادی) با هم یکپارچه شوند (Freshwater, 2007: 53).

در سال‌های اخیر رویکردهای توسعه روستایی دچار تغییرات اساسی شده و عمدتاً توسعه به معنای اعم خود در قالب توسعه پایدار و با دیدگاه سرزمینی مورد توجه قرار می‌گیرد. در دیدگاه سرزمینی، همه بخش‌های اقتصادی و اجتماعی براساس بهره‌برداری از ظرفیت‌های محلی و نیز مشارکت میان سازمان‌های خصوصی و نهادهای دولتی در همه عرصه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند (OECD, 2003: 50).

بنابراین در رویکردهای جدید سیاست‌گذاری روستایی، پیوندهای میان سطوح و بخش‌های مختلف برای تدوین سیاست‌ها در نظر گرفته می‌شود. برای مثال:

- مدل شبکه روستایی^۵ متشکل از روابط و کنش متقابل دوسویه^۶ میان کنشگران، منابع، فعالیت‌ها، بخش‌ها و مکان‌ها^۷ درون یک ناحیه روستایی است (Ventura and etal., 2008; Van der Ploeg and Marsden, 2008).

1. Rural Development Policy
 2. Places
 3. People
 4. Activities
 5. Rural Web
 6. Interrelations, Interactions, Encounters and Mutuality
 7. Actors, Resources, Activities, Sectors and Places

- سیاست‌های مکان‌محور^۱ در توسعه روستایی شامل چهار عنصر کلیدی است: تمرکز روی یک مقیاس قلمرویی (مکانی) ویژه؛ راهبرد توسعه درون‌زا براساس منابع محلی؛ نظام حکمروایی چندسطحی و تمرکز روی سرمایه‌گذاری به‌جای یارانه دادن (Mantino, 2011).
 - برنامه سکونتگاه‌های روستایی هوشمند اتحادیه اروپا (۲۰۲۰-۲۰۱۴) در جستجوی تمرکز بر مکان‌ها با هدف اتخاذ راهکارهای متناسب با فرصت‌ها و تهدیدها و نقاط قوت و ضعف هر مکان و ایجاد یکپارچگی بین بخش‌های مختلف در این مکان‌هاست (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵: ۱۷).
 - رویکرد توسعه پایدار کالبدی مناطق روستایی به‌دنبال بهبود محیط و بستر زیست انسان با هدف تخصیص بهینه فضا به فعالیت‌های گوناگون به‌منظور ایجاد بهترین حالت تعادل در میان عناصر چهارگانه انسان، فرم، فضا و فعالیت است (فیروزنیا، رکن‌الدین افتخاری و بدری، ۱۳۸۹: ۳۴).
- مسئله توسعه روستایی در ایران، همیشه جایگاهی محوری در نظام سیاستگذاری کشور داشته است. در ایران بعد از انقلاب اسلامی برای بهبود شرایط کلی حاکم بر سکونتگاه‌های روستایی در مواردی تصمیم‌ها و اقدام‌هایی نسبتاً انقلابی مشاهده می‌شد که به تجدید سازمان، مؤسسه‌های اداری و ایجاد نهادهای انقلابی متولی امور روستایی انجامید؛ اما تأمل نظری و اندیشه‌ای در مبانی معرفتی و فکری به‌مثابه پشتوانه‌ای برای نظام سیاستگذاری توسعه روستایی پایدار، چندان در کار نبود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۸: ۱۳۰). به بیان دیگر، نبود دیدگاه کل‌نگر در فرایند سیاستگذاری کشور سبب شده تا بخش‌های مختلف شهرها و روستاها هریک به‌صورت جزیره‌ای عمل کنند و به اصل مکمل بودن مکان‌ها چندان توجه نشود (پورطاهری، رکن‌الدین افتخاری و بدری، ۱۳۹۰: ۱۰۱).
- با نگاهی به جایگاه روستا در نظام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کشور ملاحظه می‌شود که به‌رغم اهمیت و جایگاه مناطق روستایی در فرایند توسعه کشور با دارا بودن ۲۰ میلیون جمعیت (۲۶ درصد جمعیت کشور)، چه از نظر استقرار در بیش از ۵۰ درصد پهنه سرزمین

و چه از نظر کارکرد اقتصادی - تولیدی مانند نرخ اشتغال ۸۷/۴ درصد (بالاتر از متوسط کشوری ۸۵/۲ درصد) و نرخ مشارکت اقتصادی ۳۹/۵ درصد (بالاتر از متوسط کشوری ۳۸/۱ درصد)، سهم ۲۶ درصدی از ارزش افزوده بخش های مختلف اقتصادی و کمک به امنیت غذایی از طریق تولید ۹۳ درصد محصولات کشاورزی، این مناطق از جایگاه قابل قبولی در زمینه های مختلف مانند رفاه و کیفیت زندگی روستاییان، بهبود محیط زیست، تنوع اقتصادی و شغل، بهره‌وری تولید و نیروی کار بهره‌مند نیستند (معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری، ۱۳۹۵). یکی از دلایل این وضعیت، کم توجهی به اتخاذ سیاست‌های جامع توسعه روستایی در فرایند توسعه ملی است.

از آنجاکه طراحی و تدوین سیاست‌های توسعه روستایی فرایندی پیچیده بوده و به هماهنگی میان بخش‌ها، سطوح مختلف دولت و کنشگران عمومی و خصوصی نیاز دارد (Prager and et al., 2015: 12) امر سیاستگذاری باید از نقطه کانونی و مجرای واحد انجام گیرد تا بتواند با ایجاد هماهنگی و همگرایی بین کنشگران و ذی‌نفعان سیاستگذاری فضایی روستایی کشور، مقدمات بهره‌گیری جامعه از حداکثر فرصت‌ها و پیشگیری از آسیب‌های آن را فراهم آورد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل وضعیت و چالش‌های تدوین سیاستگذاری فضایی مناطق روستایی کشور صورت پذیرفته و در این راه، عوامل مؤثر بر بروز این چالش‌ها نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای این اساس، سؤال‌های پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شود:

- چالش‌های تدوین سیاستگذاری فضایی کنونی مناطق روستایی در ایران کدامند؟
- راهکارهای مناسب برای تدوین سیاستگذاری فضایی مناطق روستایی در ایران کدام است؟

۱. مرور ادبیات پژوهش

سیاستگذاری فضایی مفهوم چندبعدی و پیچیده است. ویلیامز^۱ (۱۹۹۶) بین برنامه‌ریزی

فضایی^۱ و سیاست فضایی^۲ تمایز قائل می‌شود و برنامه‌ریزی فضایی را روش و طرزکاری می‌داند که بر تخصیص فعالیت‌ها در فضا در آینده اثرگذار است یا به‌عنوان تنظیم و اجرای سیاست فضایی در هر مقیاس جغرافیایی، تعریف می‌کند. اما سیاست‌های فضایی دربرگیرنده همه سیاست‌ها با هدف تأثیرگذاری بر تصمیم‌های مکانی و کاربری زمین یا توزیع فعالیت‌ها در هر مقیاس جغرافیایی است (Cheshire, 2017: 13). این رویکردهای سیاستی مختلف و ابزارهایی که از طریق آن سیاست‌ها به اجرا درمی‌آیند هرکدام منطبق فضایی مختلف دارند. اصطلاح منطق فضایی^۳ را لوئیز آلبرشت^۴ (۲۰۰۴)، مانوئل کاستلز^۵ (۲۰۰۰) و هانری لوفور^۶ (۱۹۹۱) استفاده کرده‌اند که هدف آنها مفهوم‌سازی درونمایه فضایی در فرایندهای اجتماعی مختلف است. برای مثال، کاستلز منطق فضایی چشم‌انداز روستایی را با فضای جریان‌های^۷ زنجیره کالاهای جهانی مقایسه می‌کند.

با توجه به تغییرات اساسی در سیاستگذاری روستایی، کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۸ به دنبال گسترش راهبردی چندبخشی^۹ و مکان‌محور (فضایی) هستند. این راهبرد در قالب «پارادایم جدید روستایی»^{۱۰} مطرح می‌شود.

درواقع تجربه کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه از چرخش در چهار رویکرد موضوع‌های توسعه روستایی، اهداف کلیدی توسعه روستایی، ابزارهای توسعه روستایی و بازیگران کلیدی توسعه روستایی حکایت می‌کند. این موضوع از مقایسه میان پارادایم قدیم و جدید روستایی مشهود است (جدول ۱).

1. Spatial Planning

2. Spatial Policy

3. Spatial Logic

4. Albrechts

5. Castells

6. Lefevrve

7. Space of Flows⁷

8. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

9. Multi - sectoral

10. New Rural Paradigm

جدول ۱. مقایسه پارادایم قدیم و جدید توسعه روستایی

پارادایم جدید	پارادایم قدیم	پارادایم
رقابت‌پذیری مناطق روستایی، تثبیت ارزش دارایی‌های محلی، بهره‌برداری از منابع بلااستفاده	ایجاد برابری، درآمد مزرعه، رقابت مزرعه‌ای	موضوع‌ها
بخش‌های مختلف اقتصاد روستایی (مانند گردشگری، تولید، فناوری اطلاعات و صنعت)	کشاورزی	اهداف
سرمایه‌گذاری	یارانه و کمک‌های مالی	ابزار
همه سطوح حکمروایی (فراملی، ملی و منطقه‌ای)، گروه‌های ذی‌نفع محلی (عمومی، خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد)	دولت ملی، کشاورزان	بازیگران

Source: OECD, 2006: 15.

در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی، پارادایم غالب در سیاستگذاری روستایی در بیشتر کشورهای توسعه‌یافته، توسعه حفاظت شده کشاورزی^۱ بود (Cockfield, 2013: 129). نظام منطقه‌گرایی قدیم^۲ از اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ میلادی شروع به افول کرد که این امر ناشی از فشار جهانی شدن، برون‌سپاری^۳، مقررات زدایی^۴ و بحران اقتصاد کلان جهانی بود. پیامد متلاشی شدن صنایع متمرکز دولتی و کاربرد به افزایش رقابت جهانی و متنوع‌سازی اقتصادی منجر شد (Reimer and Markey, 2008: 5). ظهور نظام اجتماعی منطقه‌گرایی جدید (جدول ۲) با ویژگی‌های انعطاف‌پذیرتر، متنوع‌تر و دارای ساختاری افقی‌تر نسبت به منطقه‌گرایی قدیم است که ذی‌نفعان مختلفی در نظام حکمروایی سیاستگذاری روستایی دخالت دارند (Reimer and Brett, 2013: 274).

1. 'Protected Development' of Agriculture
2. Old Regionalism
3. Outsourcing
4. Deregulation

جدول ۲. تفاوت‌های میان منطقه‌گرایی قدیم و جدید

منطقه‌گرایی جدید	منطقه‌گرایی قدیم
نظام شبکه‌ای	نظام سلسله‌مراتبی
حکمرمایی	حکومت
فرایند	ساختار
باز	بسته
همیاری	هماهنگی
اعتماد	پاسخگویی
قدرتمندسازی	قدرت

Source: Wallis, 2002: 5.

با توجه به مطالب مطرح شده، رهیافت جدید توسعه روستایی، رهیافت توسعه شبکه‌ای^۱ یا توسعه درون‌زای جدید^۲ نام دارد (Gkartzios and Scott, 2014). این رهیافت در جستجوی اثرگذاری عوامل درونی و بیرونی در شکل‌دهی به مناطق روستایی است. به‌این‌ترتیب، این رهیافت به دنبال ارتقای ارتباطات محلی و فرامحلی است که موجب تقویت وضعیت ارتباط مردم محلی با دنیای بیرون خواهد شد (Esparcia, 2014). از منظر انتقادی، توسعه درون‌زای جدید صرفاً یک مدل تجویزی^۳ ساده نیست بلکه این نوع توسعه، دیدگاهی درخصوص حکمرمایی توسعه روستایی، روش تفکر در مورد چگونگی کار و شناسایی ماهیت شبکه‌ای تولید دانش است (Gkartzios and Lowe, 2019).

لا^۴ و همکاران (۲۰۱۹) مدل‌های مختلف توسعه روستایی شامل رهیافت‌های توسعه بالا به پایین، پایین به بالا و توسعه شبکه‌ای در ابعاد مرتبط از جمله اصول کلیدی، نیروهای اثرگذار، عملکردها، مسائل، کانون‌های توسعه و منبع دانش با هم مقایسه کردند. نتایج این مقایسه در جدول ۳ تشریح شده است.

-
1. Networked Development
 2. Neo-endogenous Development
 3. Prescriptive Model
 4. Lowe

جدول ۳. مدل‌های توسعه روستایی

رهیافت‌ها	رهیافت توسعه بالا به پایین	رهیافت توسعه پایین به بالا	رهیافت توسعه (درون‌زای جدید) شبکه‌ای
اصول کلیدی	صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس و تمرکز	استفاده از منابع محلی (طبیعی، انسانی و فرهنگی) برای توسعه پایدار	شناسایی و بهره‌برداری از ظرفیت‌های مکان‌محور محلی؛ عدالت اجتماعی - فضایی
نیروهای پویا	قطب‌های رشد شهری	ابتکار محلی و شرکتی	شبکه‌های جهانی - محلی و جریان‌های روستایی - شهری؛ روابط متقابل بیرونی از طریق حکمروایی چندبخشی و چندمقیاسی
عملکردهای مناطق روستایی	تولید غذا و محصولات اولیه برای رشد اقتصادی شهری	نظام اقتصادی با خدمات متنوع	گروه مصرف‌کنندگان و ظهور مجدد عملکردهای تولیدی
مسائل اصلی توسعه روستایی	بهره‌وری پایین و در حاشیه بودن	ظرفیت محدود مناطق و گروه‌ها برای مشارکت در فعالیت اقتصادی	روابط نابرابر بین نهادها و نیروهای محلی و بیرونی؛ تغییر اقلیم و بحران اقتصادی
کانون روستایی	نوسازی کشاورزی؛ تسهیل تحرک نیروی کار و سرمایه	ظرفیت‌سازی (مهارت‌ها، نهادها و زیرساخت‌ها)؛ محرومیت‌زدایی	ایجاد ظرفیت محلی برای بسیج منابع درونی و پاسخ به فشارها و فرصت‌های بیرونی
کانون پژوهش‌های توسعه روستایی	اقتصاد کشاورزی؛ مدل‌های اقتصاد کینزی و اثبات‌گرایی	جامعه‌شناسی روستایی و جغرافیای روستایی؛ رهیافت‌های تفسیری و مطالعات موردی	اقدام و تحقیق عملی با اجتماعات محلی؛ میان‌رشته‌ای
منبع دانش	پژوهش‌های علمی و متخصصان بیرونی	اجتماع محلی	دانش بومی مکان‌محور

Source: Lowe and etal., 2019: 31.

۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و به شیوه استقرایی با روش‌شناسی گراندد یا داده‌بنیاد انجام شده است. نظریه‌پردازی داده‌بنیاد روش استقرایی کشف نظریه است که این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌آورد تا گزارشی نظری از ویژگی‌های عمومی موضوع پرورش دهد (Fernández, 2004: 84). به عبارت دیگر، به‌طور نظام‌مند و کیفی است برای تولید نظریه‌ای که یک فرایند، کنش یا برهم‌کنش را درباره موضوع خرد واقعی در سطح مفهومی کلی، تشریح کند (Creswell, 2005: 396).

همچنین در پژوهش حاضر برای تحلیل داده‌ها از کدگذاری استفاده شده که شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی می‌شود (Lee, 2001: 47).

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری نظری استفاده شده است. نمونه‌گیری نظری فرایند جمع‌آوری داده برای تولید نظریه است که تحلیل‌گر، به‌طور هم‌زمان داده‌ها را جمع‌آوری و تحلیل کرده و تصمیم می‌گیرد برای بهبود نظریه خود تا هنگام ظهور آن، در آینده چه داده‌هایی را جمع‌آوری و در کجا آنها را پیدا کند (Ibid.: 41). معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه‌گیری نظری، «کفایت نظری» مقوله‌ها یا نظریه است (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۷۹).

۳. نحوه انتخاب نمونه‌ها

در این مقاله با رویکرد نمونه‌گیری هدفمند و روش نمونه‌گیری گلوله برفی، اولین مشارکت‌کنندگان از بنیاد مسکن انقلاب اسلامی انتخاب شدند؛ بنابراین براساس تحلیلی که از نمونه اول به دست آمد و پس از ظهور مفاهیم اولیه، مشارکت‌کنندگان بعدی با روش نمونه‌گیری نظری با حداکثر تنوع در نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری (اشباع طبقات و مقولات محوری) انتخاب شدند. در واقع می‌توان گفت پس از انتخاب مشارکت‌کنندگان اولیه، تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای مستمر و مقایسه رویدادها و تفاوت و شباهت داده‌ها، فرصتی را برای پژوهشگر فراهم کرد تا متوجه شود در نمونه‌گیری‌های محوری و انتخابی بایستی چه داده‌هایی، از کدام گروه‌های ذی‌نفع و از چه سازمان‌ها یا نهادهایی جمع‌آوری شوند. تکرار این فرایند در نهایت باعث ظهور طبقات و تنوع داده‌ها و استحکام بخشی به طبقات و زیرطبقات و نوع ارتباطات آنها شد و باعث طرح نظریه به همان صورت پدید آمده شد. با توجه به اینکه نهادهای مختلفی در امر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی روستایی در ایران دخیل هستند، مصاحبه‌شوندگان در خلال مصاحبه‌ها، فرد یا سازمان بعدی را به پژوهشگر برحسب نیازها و موضوع‌های تخصصی طرح مفاهیم جدید معرفی می‌کردند (جدول ۴).

جدول ۴. مشخصات مشارکت‌کنندگان در مصاحبه

ردیف	سازمان	پست سازمانی	جنسیت و تحصیلات
۱	دانشگاه تربیت مدرس	عضو هیئت علمی	مرد - دکتری
۲	دانشگاه تهران	عضو هیئت علمی	مرد - دکتری
۳	دانشگاه تهران	عضو هیئت علمی	مرد - دکتری
۴	دانشگاه تهران	عضو هیئت علمی	مرد - دکتری
۵	دانشگاه خوارزمی	عضو هیئت علمی	مرد - دکتری
۶	مرکز پژوهش‌های مجلس	عضو هیئت علمی	مرد - دکتری
۷	بنیاد مسکن	مدیرکل	زن - دکتری
۸	بنیاد مسکن	مشاور	مرد - دکتری
۹	وزارت کشور	مدیرکل	مرد - کارشناسی ارشد
۱۰	معاونت توسعه روستایی	معاون برنامه‌ریزی	مرد - کارشناسی ارشد
۱۱	معاونت توسعه روستایی	معاون توسعه روستایی	مرد - کارشناسی ارشد
۱۲	سازمان برنامه و بودجه	معاون امور برنامه‌ریزی	مرد - دکتری
۱۳	وزارت جهاد کشاورزی	مدیرگروه	مرد - دکتری
۱۴	وزارت جهاد کشاورزی	مدیرگروه	مرد - دکتری

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. کدگذاری باز

کدگذاری باز فرایند تحلیلی است که از طریق آن مفاهیم را شناسایی و ویژگی‌ها و ابعاد آن را در داده‌ها کشف می‌کند (Strauss and Corbin, 1998; Lee, 2001: 49). در این مرحله با توجه به نتایج حاصل از پیاده‌سازی مصاحبه‌های انجام شده، تعداد ۲۱۰ برچسب مفهومی، ۴۲ ریز طبقه، ۱۳ طبقه یا مقوله اصلی و ۶ طبقه محوری استخراج شدند. نتایج حاصل از طبقه‌بندی مفاهیم و مقوله‌ها در جدول ۵ قابل مشاهده است.

۴-۲. کدگذاری محوری

در این مرحله، نظریه پرداز داده بنیاد، یک مقوله مرحله کدگذاری باز را انتخاب کرده و آن را در مرکز فرایندی که در حال بررسی است به عنوان «مقوله یا طبقه محوری» قرار می دهد و سپس دیگر مقوله ها و طبقات را به آن ربط می دهد. سایر مقوله ها شامل «شرایط علی»، «شرایط مداخله گر»، «شرایط زمینه ای»، «راهبردها» و «پیامدها» می شود. این مرحله مشتمل بر ترسیم یک نمودار است که «الگوی کدگذاری» نامیده می شود. الگوی کدگذاری، روابط مابین شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه ای، مداخله گر و پیامدها را مشخص می کند (Creswell, 2005: 398). پس از انجام طبقه بندی و شناسایی مفاهیم و مقوله ها در کدگذاری باز، زمینه برای شکل گیری نظریه مبنایی با کدگذاری محوری فراهم شد (جدول ۵).

جدول ۵. نقش طبقه محوری در الگوی پارادایمی

الگوی پارادایمی	طبقه محوری
شرایط علی	ضعف بنیان‌های اندیشه‌ای و نظری سیاستگذاری روستایی
پدیده اصلی	سیاستگذاری متمرکز، بخشی و بالا به پایین
شرایط مداخله گر	عدم یکپارچگی فرایند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی
شرایط زمینه‌ای	عدم یکپارچگی سرزمینی و نهادی سیاست‌های توسعه روستایی
راهبرد/ کنش متقابل	توجه به سیاستگذاری یکپارچه بخشی - فضایی
پیامدها	کاهش نسبی بخشی‌نگری و توجه به سیاست‌های فضایی

مأخذ: همان.

۴-۲-۱. ضعف بنیان‌های اندیشه‌ای و نظری سیاستگذاری روستایی

سیاستگذاری بخشی و متمرکز از ضعف بنیان‌های اندیشه‌ای و نظری سیاستگذاری روستایی ناشی است و دو علت دارد: یکی ابهام در تعریف و جایگاه سیاستگذاری روستایی و دیگری تناقض میان رویکردهای حاکم بر توسعه روستایی است. ابهام در تعریف و جایگاه سیاستگذاری روستایی خود شامل ابعاد مختلفی می شود. طبق نظریکی از مصاحبه شونده‌گان «برای مثال ما سیاست کلی

شهرسازی، سیاست کلی محیط زیست و سیاست کلی بخش کشاورزی و صنعت داریم اما برای روستا سیاست کلی مشخصی وجود ندارد و نگرش به روستا در سیاست‌های کلی به‌عنوان کانون تولید است». به عبارت دیگر، روستا مترادف با توسعه کشاورزی دانسته می‌شود. بنابراین بهتر است هم‌زمان به روستا به‌عنوان سکونتگاه نگر بسته شود که این امر همان نگرش فضایی است.

جدول ۶. روند کدگذاری باز تا محوری طبقه ضعف بنیان‌های اندیشه‌ای و نظری سیاستگذاری روستایی

برچسب‌های مفهومی	ریزطبققات (ابعاد و ویژگی‌ها)	طبققات اصلی (مقوله‌ها)	طبقه محوری
ضعف بنیان‌های اندیشه‌ای و نظری سیاستگذاری روستایی	رویکرد بالا به پایین		غلبه رویکردهای بالا به پایین در وضعیت کنونی؛ عدم شکل‌گیری توسعه مبتنی بر افزایش ظرفیت‌ها، ظرفیت‌سازی و تراوش ثروت از فعالیت‌های پایین دست اقتصاد در کشور؛ عدم پویایی ظرفیت‌ها و تحرک منابع در سطوح محلی؛ تدوین راهبردها، اهداف کلان، سیاست‌ها و اقدام‌های اجرایی از بالا به پایین متناسب با وظایف دستگاه‌های بخشی و بدون توجه به مسائل و مشکلات روستاها؛ عدم تفویض امور اجرایی دستگاه‌ها به مردم و بخش خصوصی به دلیل منفعت‌گرایی و کسب بودجه و منابع بیشتر
	ناهماهنگی در رویکردهای برنامه‌های توسعه روستایی	تناقض میان رویکردهای حاکم بر توسعه روستایی	توجه بیشتر به روستاها نسبت به قبل از انقلاب چه در حرف و چه در عمل؛ نبود نگرش توسعه یکپارچه روستایی؛ تصویب لایحه دوفوریتی ایجاد اشتغال در روستاها برای اولین بار (سال ۱۳۹۶)؛ حرکت از نگرش پروژه‌ای و فعالیت‌های بخش کشاورزی در اواخر برنامه چهارم قبل از انقلاب به سمت رویکرد فضایی و منظومه‌ای؛ وجود نوعی نگاه مجموعه روستایی و پهنه‌ای در برنامه پنجم بعد از انقلاب
	غلبه نگاه عمرانی و زیربنایی		ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و خدماتی در روستاها بدون توجه به ظرفیت‌های تولیدی (رویکرد نیازمحور)؛ نقش دولت به‌عنوان مجری و نه هدایت‌گر برنامه‌ها؛ غلبه رویکرد نوسازی بر توسعه روستایی در دوران سازندگی بعد از جنگ؛ نگاه غالب پروژه‌ای و کوتاه‌مدت به جریان توسعه روستایی

طبقه‌محوری	طبقات اصلی (مقوله‌ها)	ریزطبقات (ابعاد و ویژگی‌ها)	برچسب‌های مفهومی
ابهام در تعریف و جایگاه سیاستگذاری روستایی		تأکید بر سیاست‌های محرومیت‌زدایی	مداخله مسائل سیاسی در برنامه‌ها و دور شدن از نگرش فضایی؛ عدم استفاده صحیح از توان‌ها و سرمایه‌های اجتماعی ملی برای محرومیت‌زدایی روستایی بعد از انقلاب؛ وجود نگرش عدالت‌خواهانه و نگاه زیربنایی و زیرساختی در سال‌های اولیه پس از انقلاب به روستاها
		نبود سیاست‌های کلی توسعه روستایی	توأمان دیدن سیاست‌های بخش کشاورزی و توسعه روستایی در سیاست‌های کلی؛ عدم سیاست کلی مشخص توسعه روستایی؛ عدم اجرا و عملیاتی کردن سیاست‌های کلی نظام؛ فقدان سیاستگذاری توسعه روستایی به مفهوم واقعی در کشور؛ نگرش به روستا به‌عنوان کانون تولید به‌جای سکونتگاه در سیاست‌های کلی؛ مترادف دانستن روستا با توسعه کشاورزی
		نگرش ابزاری به جامعه روستایی	محوریت رشد محصولات کشاورزی در تدوین سیاست‌های توسعه کشاورزی وزارت جهاد کشاورزی؛ سیاست رشد تولید محصولات کشاورزی بدون توجه به امنیت شغلی کشاورزان در وزارتخانه مذکور؛ تأکید بیش از حد وزارت جهاد کشاورزی به موضوع امنیت غذایی و کم‌رنگ شدن مسئله توسعه روستایی
		مترادف دانستن روستا با کشاورزی	سیاستگذاری روستایی متکی بر نگرش‌ها، ذهنیت‌های نمایندگان دستگاه‌های بخشی و عدم هم‌افزایی و ارتباط میان آنها؛ نگاه ابزاری به کشاورزان به تبعیت از برنامه‌ها و طرح‌های تولیدی وزارت جهاد کشاورزی؛ عدم برد ملی و رسانه‌ای شدن چالش‌های جامعه روستایی در سطح ملی؛ توجه به روستاها صرفاً در زمان انتخابات
		عدم شناخت مسئله اساسی روستاها	عدم شناسایی مسائل اصلی روستا و تعامل روستاها با توسعه ملی؛ ضعف و شکاف اطلاعاتی؛ عدم شناخت مسئله در مراکز پژوهشی و دانشگاهی؛ ناتوانایی نظام اداری در مسئله‌شناسی توسعه روستایی به دلیل کمبود زمان و رویه‌های دست‌وپاگیر؛ عدم شناخت تحولات محیط بیرون و آثار آن بر جامعه روستایی؛ عدم اطلاع تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران از بنیان‌های فکری و نظری توسعه روستایی؛ عدم اثربخشی سیاست‌های روستایی ناشی از عدم شناخت صحیح مسائل روستایی؛ تعیین مکان، زمان و مقدار هزینه‌ها برای روستاها توسط دولت بدون توجه به مسائل اساسی جامعه روستایی

۲-۲-۴. سیاستگذاری متمرکز، بخشی و بالا به پایین

سیاستگذاری بخشی و متمرکز ماحصل غلبه سیاست‌های دولت‌محور و تغییرات مداوم در سیاست‌های توسعه روستایی است. پیامد این امر ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی و خدماتی در روستاها بدون توجه به ظرفیت‌های تولیدی است. بنابه گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان «دولت مکان، زمان و میزان هزینه‌ها برای روستاها را بدون توجه به مسائل اساسی جامعه روستایی تعیین می‌کند». در این شرایط دولت و دستگاه‌های زیرمجموعه آن بیشتر مجری هستند تا هدایتگر برنامه‌ها.

طبق نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان «در چند دهه اخیر، الگوی توسعه در کشور مبتنی بر توزیع منابع شکل گرفته است». همچنین، پراکندگی بخش‌های توسعه روستایی در میان دستگاه‌های بخشی و فرابخشی موجب شده است یک سیاست و برنامه جامع و یکپارچه برای توسعه روستایی شکل نگیرد که این امر به سیاست‌های بخشی و متمرکز دامن می‌زند.

جدول ۷. روند کدگذاری باز تا محوری طبقه سیاستگذاری متمرکز، بخشی و بالا به پایین

طبقه محوری	طبقات اصلی (مقوله‌ها)	ریزطبقات (ابعاد و ویژگی‌ها)	برجسب‌های مفهومی
سیاستگذاری متمرکز، بخشی و بالا به پایین	سیاست‌های دولت محور	توزیع منابع رانته (درآمد نفت)	تزریق درآمدهای نفتی به بدنه حکمرانی ایران و اقتصاد ملی؛ سیاستگذاری مبتنی بر توزیع درآمدهای نفتی؛ الگوی توسعه در کشور مبتنی بر توزیع منابع؛ سازوکار تخصیص بودجه‌ها مبتنی بر مداخله مسئولان سیاسی؛ اتکای دولت به درآمد نفت و عدم اهمیت تعامل با بخش خصوصی و جامعه مدنی
		سیاست‌های بخشی و متمرکز	نقش و جایگاه بخشی وزارتخانه‌ها و دستگاه‌ها در فرایند سیاستگذاری توسعه روستایی؛ نهادینه شدن تفکر بخشی در نظام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی؛ اهمیت و ارجحیت نگاه بخشی در سیاست‌های مدون فرابخشی؛ ماهیت بخشی بودن ساختار و تشکیلات سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کشور؛ غلبه تفکر نوسازی و رشد اقتصادی بر ساختار و تشکیلات نظام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی کشور (ماهیت بخشی)؛ عدم نیروی انسانی توانمند در دستگاه‌ها برای ایجاد خلاقیت و فکر جدید؛ توسعه دستگاه‌ها و گسترش ساختار و تشکیلات آن مقدم بر توسعه روستایی
		تعدد و تنوع دستگاه‌های مسئول توسعه روستایی	پراکندگی بخش‌های توسعه روستایی شامل نهادی در وزارت کشور، اقتصادی در جهاد کشاورزی، اشتغال در وزارت تعاون، کالبدی در بنیاد مسکن، بحث زمین در سازمان جنگل‌ها و مراتع و نیز سازمان امور اراضی؛ سازمان برنامه و بودجه به عنوان دستگاه فرابخشی برای تنظیم برنامه‌ها و تخصیص بودجه؛ مجلس به عنوان قانونگذار امور روستایی؛ شکل‌گیری معاونت توسعه روستایی ریاست جمهوری و انجام امور مربوط به هماهنگی بین بخشی و فرابخشی توسعه روستایی
	تغییرات مداوم سیاست‌های توسعه روستایی	فقدان متولی مشخص	عدم متولی مشخص برای سیاستگذاری توسعه روستایی؛ عدم انسجام در پیگیری مسائل روستایی با توجه به تفکیک وظایف میان دستگاه‌های مختلف؛ تضاد منافع و تداخل فعالیت‌ها بین دستگاه‌ها در امور توسعه روستایی؛ دور بودن مجلس از فضای اجرایی کشور و دور بودن دولت نیز از فضای قانونگذاری
		اتخاذ سیاست‌های واکنشی	اتخاذ سیاست‌ها بر حسب وقایع دوره‌های کوتاه مدت (وقوع زلزله و مقاوم‌سازی مسکن روستایی)؛ سیاستگذاری حاصل پیامد مسائل و مشکلات مناطق روستایی (مانند مهاجرت روستاییان و تخلیه روستاها)؛ جایگاه ضعیف سیاستگذاری روستایی در سطح کلان؛ عدم سیاستگذاری راهبردی روستایی مبتنی بر چشم‌انداز بلندمدت
		تغییر ساختارها و سیاست‌ها با تغییر دولت‌ها	سلیقه متفاوت وزیران مبنی بر ایجاد، حذف و ادغام زیربخش‌های وزارتخانه؛ عدم اجرای سیاست‌ها توسط برخی وزیران؛ تغییر سیاستگذاری‌ها و ریل‌گذاری‌های وزارتخانه‌ها یا کمیسیون‌های مجلس با عوض شدن اعضا؛ ادغام یا جدایی وزارتخانه‌ها در دولت‌های مختلف؛ انحلال سازمان برنامه در یک دولت و احیای آن در دولت دیگر؛ نبود سیاستگذاری بلندمدت به دلیل تغییر مداوم ساختارها، نهادها و رویکردها

۳-۲-۴. عدم یکپارچگی فرایند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی

عدم یکپارچگی فرایند تدوین و اجرای برنامه‌ها شامل تدوین برنامه‌های غیرمنسجم و چندپارچه و نیز بی‌توجهی به اجرا و بازخورد برنامه‌ها می‌شود. عدم ارزیابی برنامه‌ها به شناخت نامناسب از نتایج و پیامدهای برنامه‌های قبلی منجر می‌شود و آن چرخه بازخورد شکل نمی‌گیرد. حسب نظریکی از مصاحبه‌شوندگان «ارزیابی باید به صورت سیستمی باشد باید ورودی و خروجی داشته باشد. آیا سرمایه‌گذاری آثار مطلوبی در روستاها داشته است؟ ما در این قسمت یعنی شناخت و تحلیل ضعف داریم و شناخت خوبی از نتایج برنامه‌های قبلی نداریم».

همچنین، عدم انسجام و هماهنگی دستگاه‌ها در تدوین برنامه‌های توسعه کشور وجود دارد «چون توسعه روستایی متولی مشخصی ندارد هر دستگاهی با سازمان برنامه و بودجه، مجلس و دولت لابی می‌کند تا بودجه بیشتری برای دستگاه و بخش خود بگیرد و تکلیفی در قانون برنامه درج شود تا به اخذ بودجه برای دستگاه منجر شود».

جدول ۸. روند کدگذاری باز تا محوری طبقه عدم یکپارچگی فرایند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی

طبقه محوری	طبقات اصلی (مقوله‌ها)	ریزطبقات (ابعاد و ویژگی‌ها)	برچسب‌های مفهومی
عدم یکپارچگی فرایند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی	تدوین برنامه‌های غیرمنسجم و چندپارچه	کم‌رنگ بودن نگرش فضایی در تهیه طرح‌ها	تأکید بنیاد مسکن بر اقدام‌های کالبدی در قالب طرح‌های هادی، ساماندهی، بافت باارزش، تفکیک، به‌سازی و مقاوم‌سازی مسکن؛ نگاه به توسعه روستایی صورت نقطه‌ای نه فضایی؛ تعریف طرح هادی در نقطه روستایی؛ عدم پیوند میان طرح‌های هادی و به‌سازی؛ مکمل نبودن برنامه‌های بخشی؛ هم‌راستا نبودن اقدام‌های توسعه کالبدی روستایی با اهداف و راهبردها و سیاست‌های کلان
		تدوین برنامه‌ها بدون توجه به واقعیت‌ها	تدوین سیاست‌های برنامه بدون توجه به شواهد عینی و میدانی؛ انشائویی به‌جای برنامه‌نویسی؛ اعتبار نداشتن برنامه‌ها و نداشتن ابزاری برای اجرای برنامه‌ها؛ عدم ارتباط میان احکام برنامه و چارچوب فکری و فلسفی آن؛ ضعف تفکر برنامه‌ریزی منطقه‌ای در تدوین برنامه
		عدم انسجام و هماهنگی دستگاه‌ها در تدوین برنامه	لاهی کردن دستگاه‌ها با سازمان برنامه و بودجه، مجلس و دولت جهت اخذ بودجه بیشتر؛ درج تکالیف و احکام قانون برنامه با هدف کسب بودجه بیشتر؛ بخشی‌نگری، موازی‌کاری و پراکندگی منابع و اعتبارات؛ توزیع مکانی اعتبارات برنامه از طریق برش‌های زمانی و مکانی؛ توزیع بودجه‌ها در کشور با توجه به برنامه‌های درون بخشی دستگاه‌ها؛ عدم مشارکت استان‌ها در تهیه و تنظیم برنامه‌های توسعه کشور؛ ایجاد انفصال و چندپارچگی ظرفیت سیاستگذاری دولت؛ عدم آمادگی دستگاه‌ها برای پذیرش رویکرد فرابخشی
	عدم توجه به اجرا و بازخورد برنامه‌ها	جدایی عناصر فعالیت، کالبد و انسان در تدوین برنامه	عدم ارتباط و جدایی میان فصل توسعه روستایی برنامه پنج‌ساله (فضا و کالبد روستا) با فصل کشاورزی برنامه (بهره‌برداران کشاورزی)؛ عدم تعیین مسئولیتی برای وزارت جهاد کشاورزی در فصل توسعه روستایی برنامه ششم؛ جدایی میان عناصر فعالیت و کالبد در مواد برنامه‌های توسعه پنج‌ساله؛ فقدان نگاه کلان و یکپارچه در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه در سطح مناطق کشور
		تحقق‌پذیری اندک برنامه‌ها	عدم درک درست دستگاه‌ها از راهبردها و سیاست‌ها و در عوض اجرای اقدام‌ها بدون توجه به راهبردها؛ چندپارچگی دستگاه‌ها در اجرای طرح‌ها و برنامه‌های روستایی؛ عدم بازوی اجرایی برای معاونت توسعه روستایی ریاست جمهوری در سطح استانی و شهرستانی و ناتوانی کارشناسی آن؛ نبود سازوکاری برای همکاری و هماهنگی دستگاه‌ها در اجرا؛ کمبود تشکیلات اجرایی در دستگاه‌ها متناسب با جمعیت روستایی؛ تصدی‌گری و اجرای برنامه‌ها بدون در نظر گرفتن سطحی از جلب مشارکت بخش خصوصی و جامعه مدنی
		عدم ارزیابی نتایج و پیامدهای برنامه	عدم شناخت مناسب از نتایج برنامه‌های قبلی؛ عدم ارزیابی نظام‌مند سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی؛ عدم ارزیابی اثرات تخصیص منابع و بودجه در توسعه روستاها؛ ابهام در میزان بازگشت هزینه‌های ناشی از اجرای اقدام‌های طرح‌ها و برنامه‌ها؛ ضرورت ارزیابی نظام‌مند برنامه‌ها شامل Input Output, Outcome, Impact؛ شناسایی نتایج برنامه‌های قبلی؛ عدم آسیب‌شناسی آثار سیاست‌ها و برنامه‌ها بر کاهش جمعیت روستایی طی دهه‌های اخیر؛ ضعف بانک جامع اطلاعات و آمار

مأخذ: همان.

۴-۲-۴. عدم یکپارچگی سرزمینی و نهادی سیاست‌های توسعه روستایی

عدم یکپارچگی عمودی و افقی (سرزمینی) میان سطوح و بخش‌های مختلف در پهنه سرزمین و نیز ضعف نهادسازی و شبکه‌سازی محلی به عدم یکپارچگی سرزمینی و نهادی منجر شده است.

به‌طورکلی، سیاستگذاری روستایی بیشتر در سطح ملی مورد توجه قرار می‌گیرد. طبق نظریاتی از مصاحبه‌شوندگان «یکی از موانع سیاستگذاری فضایی، تمرکزگرایی فضایی در سطح ملی است، یعنی هنوز اقتصاد ایران و فضای جغرافیایی ایران به سمت تمرکزگرایی پیش می‌رود، تمرکز اقتصاد در مراکز و متروپل‌ها فرصت تحول‌آفرینی در نقاط پیرامونی مثل نواحی روستایی را محدود می‌کند».

یکی از چالش‌های اساسی جامعه روستایی کشور جایگاه حاشیه‌ای آن در نظام اقتصادی - اجتماعی ملی است. حسب نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان «اگر قبول کنیم مشکل ما این است که نظام روستایی، نقش واقعی خود را در اقتصاد و توسعه اجتماعی ملی بازی نمی‌کند و برای پرداختن به این مشکل چه کار باید کرد، آن وقت راه را درست می‌رویم. ولی همه برنامه‌ریزی‌های ما در آخر خط به این می‌رسند که سهم روستاها چقدر است؟ اگر سهم روستاها را بدهیم مشکل حل می‌شود مثل برق، آب، گاز، راه، زیرساخت، تسهیلات و غیره. اما سهم روستا را از توسعه یافتگی ندادیم».

جدول ۹. روند کدگذاری باز تا محوری طبقه عدم یکپارچگی سرزمینی و نهادی سیاست‌های توسعه روستایی

طبقه محوری	طبقات اصلی (مقوله‌ها)	ریزطبقات (ابعاد و ویژگی‌ها)	برچسب‌های مفهومی
عدم یکپارچگی سرزمینی و نهادی سیاست‌های توسعه روستایی	ضعف نهادسازی و شبکه‌سازی محلی	جایگاه حاشیه‌ای جامعه روستایی	عدم ایفای نقش واقعی نظام روستایی در اقتصاد و توسعه اجتماعی ملی؛ سهم ناچیز روستاها در اقتصاد و مدیریت سرزمینی؛ احساس انزوا، بیهودگی و یوچی روستاییان و عدم سهم و نقش آنها در تولید ارزش افزوده ملی؛ نگرش حاشیه‌ای و میرایی به جامعه روستایی؛ بی‌توجهی رسانه‌ها به مسائل و مشکلات جامعه روستایی؛ نداشتن تصویری روشن و تعریفی مشخص از جامعه روستایی جدید، ارتباطات و کارکردهای آن
		تبعیض میان مدیریت شهری و روستایی	جدایی ناپذیری توسعه شهری، روستایی و عشایری؛ عدم اختصاص ابزارهای توسعه به مناطق روستایی ازسوی نظام برنامه‌ریزی کشور؛ مهاجرت روستاییان به شهرها در نتیجه وجود ابزارهای کافی توسعه در شهرها؛ وجود نهادمحور توسعه کالبدی در شهرها (شهرداری‌ها) و عدم آن در روستاها؛ اعطای اختیارات وسیع به شهرداری‌ها و ناکافی بودن اختیارات دهیار در روستاها؛ نامشخص بودن مسئول توسعه کالبدی روستا (دهیاری یا بنیاد مسکن)؛ تبعیض در مهارت‌آموزی به روستاییان؛ عدم اجرای صحیح سیاست‌های توسعه روستایی؛ عدم قدرت و ظرفیت کافی سازمان دهیاری‌ها در سیاستگذاری؛ تصمیم‌گیری در مورد روستاها توسط دستگاه‌های شهری
		فقدان زنجیره‌های ارزش افزوده اقتصادی روستایی	فقدان انسجام زنجیره‌های متصل به هم در اقتصاد روستایی؛ ازهم‌گسیختگی حلقه‌های اقتصادی در روستاها؛ نقش پررنگ دلال‌ها و واسطه‌ها در سرقت ارزش افزوده تولید اقتصادی در روستاها؛ عدم تشکیل زنجیره‌های تبدیل، بازرگانی مبتنی بر منافع روستاییان؛ اقتصاد روستایی فاقد انسجام زنجیره‌های متصل به هم است؛ انتقال ارزش افزوده ناشی از تجارت محصول خام کشاورزی روستاها به جیب دیگران؛ وابستگی روستاییان به محصولات تولیدی شهرها؛ تأثیر شاخص‌های اقتصادی کلان مانند بیکاری، رکود و تورم بر روستاها
عدم یکپارچگی عمودی افقی (سرزمینی)	عدم پیوند برنامه‌ریزی فضایی و بخشی	ناهماهنگی سطوح و بخش‌های مختلف تصمیم‌گیری	توجه بیشتر به سیاستگذاری روستایی در سطح ملی و بی‌توجه در سطوح استانی و محلی؛ لزوم تقویت سیاستگذاری مبتنی بر داده‌های مکانی (ظرفیت‌های اقتصادی و بومی منطقه) در سطوح ملی و استانی؛ رقابت دستگاه‌های متولی توسعه روستایی به جای مکمل هم بودن؛ عدم طراحی مناسب دستگاه‌های اجرایی برای توسعه کشاورزی و روستایی؛ عدم همسویی میان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ملی در امور توسعه روستایی؛ نداشتن متولی مشخص برای مدیریت و اجرای طرح‌های منطقه‌ای
		عدم پیوند برنامه‌ریزی فضایی و بخشی	عدم تعامل میان برنامه‌ریزی فضایی و بخشی؛ فقدان نظام یکپارچه برنامه‌ریزی سرزمین؛ ناهماهنگی بین دو شیوه برنامه‌ریزی بخشی و سرزمینی؛ ضعف قدرت اجرایی سیاست‌های آمایش سرزمینی؛ کمبود نیروی متخصص در حوزه آمایش؛ تمرکز سطوح ملی بر فرایندهای تولیدی، اشتغال‌زایی و سرمایه‌گذاری و بی‌توجهی به ابعاد فضایی سیاست‌ها؛ نبود سیاست‌های آمایشی و سیاست‌های فضایی توسعه روستایی در سطح ملی؛ عدم یکپارچگی برنامه‌ریزی فضایی و بخشی در سطح ملی
		تمرکزگرایی فضایی در مراکز	تمرکزگرایی ملی؛ تمرکزگرایی فضایی در سطح ملی (تمرکز اقتصاد در مراکز استان‌ها و متروپل‌ها)؛ سردرگمی در پارادایم توسعه ملی یا دکترین توسعه ملی؛ نامشخص بودن نقش فضاها روستایی در توسعه ملی؛ تمرکز برنامه‌ریزی و اجرا برای دورترین نقاط کشور در مرکز (شامل جمع‌آوری داده‌ها، طرح‌های آماری، هدف‌گذاری، سیاستگذاری، انتخاب پیمانکار، تأمین مالی و اجرای آنها)؛ بی‌تعادلی طرح‌های سرمایه‌گذاری کلان در مناطق مختلف کشور (حرکت سرمایه به تعدادی از استان‌های کشور و شکل‌گیری قطب‌های صنعتی از یکسو و دور نگه داشتن برخی مناطق از پروسه جذب سرمایه‌ها)

مأخذ: همان.

۵-۲-۴. توجه به سیاستگذاری یکپارچه بخشی - فضایی

با توجه به چالش‌های کنونی سیاستگذاری کشور، لزوم توجه به سیاستگذاری یکپارچه بخشی - فضایی در این برهه زمانی احساس می‌شود. اما یکپارچه شدن سیاستگذاری بخشی - فضایی منوط به تمرکززدایی فضایی - اداری و ضرورت سیاستگذاری یکپارچه سرزمینی است. در این راستا، جزء «۱» بند «الف» ماده (۲۶) قانون برنامه ششم توسعه کشور بر ضرورت تدوین سند آمایش سرزمین ملی و استانی دولت تأکید دارد. همچنین در این خصوص برخی از نهادها و سازمان‌های ناکارآمد باید حذف و اصلاح شوند که این موضوع با رویکرد کوچک‌سازی دولت خصوصاً ماده (۲۸) قانون برنامه ششم توسعه کشور هم‌خوانی دارد.

اما هنوز پارادایم توسعه ملی یا دکترین توسعه ملی اما هنوز مبتنی بر واقعیات کشور شکل نگرفته است. از این رو باید دکترینی درون‌زا و برون‌گرا داشته باشیم. طبق نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان «در درون دکترین، دیدگاه‌ها باید مشخص باشد، نظریه‌های پایه باید روشن باشند که به هر حال کشور را روی چه حسابی مدیریت کنیم، استراتژی‌ها مبتنی بر آن نظریه‌ها و دیدگاه‌ها روشن باشند و به تبع آن برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی تدوین می‌شوند».

جدول ۱۰. روند کدگذاری باز تا محوری طبقه توجه به سیاستگذاری یکپارچه بخشی - فضایی

طبقه محوری	طبقات اصلی (مقوله‌ها)	ریزطبقات (ابعاد و ویژگی‌ها)	برچسب‌های مفهومی
توجه به سیاستگذاری یکپارچه بخشی - فضایی	لزوم توجه به تمرکززدایی فضایی و اداری	اصلاح فرایندها و نهادها به جای گسترش تشکیلات اداری	ایجاد آرامش ساختاری در سیستم دولتی؛ اصلاح فرایندها به جای ایجاد نهادهای جدید؛ جهت‌گیری فرایندهای تأمین‌کننده نیازهای زیرساختی روستایی تا به امروز؛ حمایت از فرایندها به جای حمایت از تک‌تک افراد؛ بزرگ‌تر شدن دولت و ناکارآمدی آن در صورت ایجاد ساختارهای جدید؛ اصلاح وظایف و اختیارات سازمان‌های موجود؛ حذف و اصلاح برخی از نهادها و سازمان‌های ناکارآمد با رویکرد کوچک‌سازی دولت
		ضرورت تقویت شوراهای توسعه روستایی	پیشنهاد تشکیل شورای ملی نخبگان روستایی در معاونت توسعه روستایی ریاست جمهوری؛ تشکیل شورای عالی توسعه روستایی کشور به ریاست رئیس‌جمهور و دبیری سازمان برنامه و بودجه و عضویت سایر دستگاه‌های متولی؛ ایجاد سازمان‌هایی که صرفاً جنبه هماهنگی و شورایی دارند (چتر هماهنگی)؛ عدم تداخل و تنش شوراهای با سایر دستگاه‌های اجرایی

طبقه محوری	طبقات اصلی (مقوله‌ها)	ریزطبقات (ابعاد و ویژگی‌ها)	برجسب‌های مفهومی
ضرورت سیاستگذاری یکپارچه سرزمینی		لزوم ایجاد و تقویت سطح مدیریت منطقه‌ای	منطقه‌گرایی به جای بخشی‌نگری؛ تمرکززدایی و بهره‌گیری از توان‌های محلی و منطقه‌ای در فرایند تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه؛ ایجاد مدیریت هماهنگ‌کننده و مستقل (نظام مدیریت منطقه‌ای)؛ ایجاد یک وزارتخانه توسعه در درآمدت با پوشش شهری و روستایی و منطقه‌ای؛ مشارکت مدیران استانی و منطقه‌ای در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری ملی هر بخش، به منظور بهره‌برداری مناسب از ظرفیت‌های سرزمینی و مزیت‌های نسبی هر استان
		لزوم تدوین دکترین توسعه ملی و روستایی	اتخاذ دکترین توسعه ملی و به تبع آن توسعه روستایی؛ رعایت سلسله مراتب دکترین توسعه ملی، تدوین نظریه‌ها و دیدگاه‌ها، تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی و اقدام‌هایی به صورت یک بسته؛ سیاستگذاری روستایی مبتنی بر شواهد میدانی
	لزوم یکپارچگی سیاستگذاری برنامه‌ریزی و مدیریت	سیاستگذاری دروازه ورود به تصمیم‌گیری؛ سه عنصر اساسی تصمیم‌گیری شامل سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت؛ نقش سیاستگذاری به عنوان دروازه ورود به تصمیم‌گیری و ریل‌گذاری برای برنامه‌ریزی و مدیریت؛ سیاستگذاری کالبدی به مفهوم تعیین مسیر راه از طریق نهادسازی؛ سیاستگذاری به عنوان تعیین معیار برای گرفتن تصمیم؛ سیاستگذاری نوعی مراقبت، قبول یا رد کردن تصمیم	
	توجه به تعامل عناصر توسعه کالبدی در سیاست‌های توسعه روستایی	کالبد به عنوان تعامل فرم، فضا، فعالیت و انسان؛ جریان عناصر کالبد در ظرف فضا؛ جریان بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و اکولوژیک توسعه پایدار در فضا؛ دیدن جریان‌ها در سازمان از دو جنبه هنجاری (قوانین و مقررات، رویه‌ها، شیوه‌ها، سبک‌ها و باورها) و عینی (نهاد اداری و اداره کردن)؛ نگاه فضایی کل‌گرا (ارتباط میان خانه، روستا و همسایگی در قالب قلمرو)؛ یکپارچگی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، اکولوژیک و کالبدی در پهنه‌های فضایی؛ یکپارچگی ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و نهادی در سیاستگذاری	
	یکپارچگی سیاست‌های توسعه کشاورزی و روستایی	ضرورت انسجام بین سیاست‌های توسعه کشاورزی و توسعه روستایی در رویکردهای جدید؛ نقش پررنگ فعالیت‌های کشاورزی در نظام اقتصاد روستایی؛ هم‌پوشانی قوی میان روستاها و کشاورزی؛ رابطه تنگاتنگ بین توسعه اقتصاد غیرکشاورزی و توسعه کشاورزی در نواحی روستایی؛ ضرورت کاهش و جلوگیری از سپردن اداره امور نواحی روستایی به نهادهایی که مأموریت اصلی آنها امور عمرانی، ساخت مسکن و راه است نه امور توسعه اقتصادی روستاها	
	لزوم توجه به توسعه پایدار در سیاست‌های توسعه روستایی	توسعه پایدار به عنوان فرایند تغییر کیفیت؛ برنامه‌ریزی فرایند سازماندهی اشکال تغییرات با کیفیت؛ فرایند هدایت سازماندهی اشکال تغییرات با کیفیت؛ انتخاب پارادایم توسعه پایدار در سیاستگذاری برنامه‌ریزی با رهیافت جدید حق به سکونتگاه (یا حقوق شهروندی و مکانی) با شیوه شبکه‌ای؛ شیوه شبکه‌ای یعنی سطحی از لحاظ فضایی و مردم سازماندهی شده در قالب نهادهای مدنی؛ تبدیل اندیشه (توسعه پایدار) به گفتمان (سیاستگذاری) و گفتمان به برنامه‌ریزی (اندیشه را به عمل تبدیل کردن)	

مأخذ: همان.

۶-۲-۴. کاهش نسبی بخشی‌نگری و توجه به سیاست‌های فضایی

کاهش نسبی بخشی‌نگری و توجه به سیاست‌های فضایی به‌عنوان پیامدهای حاصل از راهبردها خود ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و فضایی دارد که ضرورت رقابت‌پذیر کردن اقتصاد روستایی، استفاده از ظرفیت‌های مشارکت مردمی و ایجاد تقویت خوشه‌ها، منظومه‌ها و شبکه‌ها را شامل می‌شود.

از این‌رو سیاست‌های توسعه روستایی محور و مردم‌محور باید تقویت شود و شناسایی نیازها و نیازسنجی‌ها و حتی مشارکت در هم‌فکری و تصمیم‌سازی در سطوح پایین شکل گیرد. حسب نظر یکی از مصاحبه‌شوندگان «چون روستا کوچک‌ترین واحد در برنامه‌ریزی است باید ذی‌نفعان و مردم روستایی در فرایند برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری نقش ایفا کنند».

جدول ۱۱. روند کدگذاری باز تا محوری طبقه کاهش نسبی بخشی‌نگری و توجه به سیاست‌های فضایی

طبقه محوری	طبقات اصلی (مقوله‌ها)	ریزطبقات (ابعاد و ویژگی‌ها)	برجسب‌های مفهومی
کاهش نسبی بخشی‌نگری و توجه به سیاست‌های فضایی	ضرورت رقابت‌پذیر کردن اقتصاد روستایی	حمایت از طرح‌های دانش‌بنیان برای ایجاد اشتغال روستایی	ایجاد سازوکارهای نهادی در سطح محلی با ایده‌ها و اطلاعات کارآفرینانه مبتنی بر واقعیات میدانی برای هدایت سرمایه‌گذاران خصوصی و تعاونی؛ ایجاد صندوق‌ها و نهادهایی جهت شراکت با بخش خصوصی و تعاونی برای توسعه بنگاه‌های صادرات‌گرا و اشتغال‌زای نواحی روستایی؛ تسهیل فرایند اخذ مجوز برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اشتغال‌زای نواحی روستایی؛ تسهیل دسترسی دانش‌آموختگان کشاورزی و منابع طبیعی به اراضی کشاورزی برای اجرای طرح‌های دانش‌بنیان؛ طراحی برنامه مشخص برای مهارت‌آموزی جوانان روستایی
		متنوع‌سازی اقتصاد روستایی	حرکت سیاست‌گذاری توسعه روستایی از غلبه سیاست‌های کالبدی، فیزیکی و زیربنایی به سمت سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی در سال‌های اخیر (تخصیص ۱/۵ میلیارد دلار از محل صندوق توسعه ملی برای کمک به اشتغال روستایی)؛ تقویت فرایندهای فرابخشی در سال‌های اخیر در برنامه‌ها؛ تقویت فرایندهای رونق اقتصادی و ایجاد فرصت‌های جدید و مکمل فعالیت‌های قبلی روستاییان؛ توسعه کسب‌وکارهای متکی به فعالیت‌های کشاورزی؛ نگاه خوشه‌ای به بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط روستایی
		حمایت از تشکیل زنجیره‌های ارزش افزوده تولید اقتصادی	اصلاح فرایندها به سمت تکمیل زنجیره‌ها و شبکه‌های فعالیت‌های روستایی؛ برقرار کردن فرایندهای منجر به خلق ارزش افزوده بیشتر در روستاها؛ بازچرخانی ارزش افزوده اقتصادی در محیط‌های روستایی و خلق ارزش‌های جدید؛ ایجاد بسترهایی برای سرمایه‌گذاری ارزش افزوده حاصل از فعالیت‌های روستایی در خود روستا؛ سهم عمده بازاریابی و فروش در ارزش افزوده یک محصول تولیدی در روستا (تولید ۲۵ درصد از این زنجیره است. ۲۵ درصد آن مواد خام و طراحی است و ۵۰ درصد بازاریابی و فروش)؛ مدل خلق ثروت و ارزش افزوده در بدنه اجتماع محلی (روستا)

طبقه محوری	طبقات اصلی (مقوله‌ها)	ریزطبقات (ابعاد و ویژگی‌ها)	برچسب‌های مفهومی
استفاده از ظرفیت‌های مشارکت مردمی	مشارکت	تعامل مردم با سیاستگذار و برنامه‌ریز	گفتمان سیاستگذاری مبتنی بر اجتماع محلی شبکه‌ای؛ برنامه‌ریزی فضایی مبتنی بر اجتماع محلی و شبکه‌ای (برنامه‌ریزی تعاملی و برنامه‌ریزی ارتباطی) با نگاه راهبردی؛ تعامل مردم، ^۱ سیاستگذار، ^۲ و برنامه‌ریز ^۳
		توجه به مشارکت مقیاس محلی	شفافیت در عمل و پاسخگویی و قانونمندی؛ توجه به رویکرد مشارکتی در نظام تصمیم‌سازی و اجرا و پس‌از آن، با دخیل کردن کنشگران سطح محلی و بخش خصوصی؛ اهمیت یافتن سازمان‌های مردم‌نهاد و نخبگان روستایی؛ شکل‌گیری نیازها و حتی مشارکت در همفکری و تصمیم‌سازی در سطوح پایین؛ حاکم کردن فرایند واقعی مشارکت روستاییان در فرایند تصمیم‌سازی و حتی تصمیم‌گیری
		تقویت سرمایه اجتماعی	سازماندهی بهتر نهادهای اجتماعی؛ تقویت سرمایه اجتماعی در روستاها از طریق فعالیت‌های مختلف؛ تبلور عناصر سرمایه اجتماعی در قالب شوراها، سازمان‌های مردم‌نهاد، تعاونی‌ها، صندوق‌های توسعه و صندوق‌های خانوادگی؛ تقویت سیاست‌های توسعه روستایی محور و مردم محور
ایجاد و تقویت خوشه‌ها، منظومه‌ها و شبکه‌ها	مشارکت	ضرورت توسعه هم‌پیوند روستایی - شهری	ضرورت سیاستگذاری منسجم توسعه در سطح ملی برای همه کشور و همه زیربخش‌های اقتصادی و شهری و روستایی؛ کاهش عدم تعادل میان شهر و روستا؛ پایه‌ریزی ساختار توسعه روستایی به صورت عادلانه همگام با توسعه شهری؛ از بین بردن جداافتادگی زمانی و احساسی بین شهر و روستا با استفاده از ظرفیت‌های ICT؛ وجود سیاستی منسجم برای سرایت توسعه شهری به روستاها
		ایجاد و تقویت منظومه‌های روستایی	ضرورت حرکت از نگاه نقطه‌ای به نگاه پهنه‌ای در طرح‌های کالبدی روستایی؛ ضرورت ایجاد و تقویت نگاه فضایی از طریق منظومه‌های روستایی؛ نگرش به اشتغال روستایی از طریق شبکه‌ای از روابط و پیوندها؛ تقسیم کار در پهنه‌های فضایی به جای نگرش هر روستا یک محصول؛ ایجاد اشتغال روستایی با زنجیره‌ای از فعالیت‌ها؛ ملاحظه پیوندها و تعاملات مکان‌یابی‌ها در سطح سرزمین؛ برنامه‌های بلندمدت با نگاه فضایی؛ انباشتی برنامه‌ها با توجه به ثبات سیستمی و گرایش به ابعاد فضایی، آمایشی

مأخذ: همان.

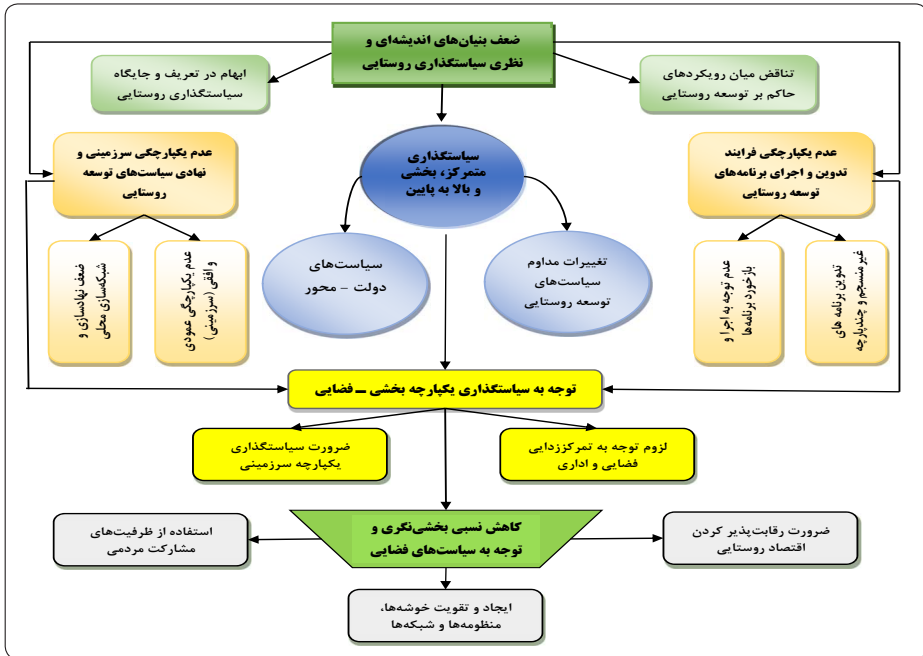
۳-۴. کدگذاری انتخابی

کدگذاری انتخابی (براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری) مرحله اصلی نظریه‌پردازی است. بدین ترتیب که طبقه محوری را به شکل نظام‌مند به دیگر طبقه‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند اصلاح می‌کند (دانایی فرد و اسلامی، ۱۳۹۰: ۱۳۴).

1. People
2. Policy-maker
3. Planner

با توجه به یافته‌های حاصل از دو مرحله کدگذاری باز و محوری و نیز پاسخگویی به سؤال نخست پژوهش، می‌توان گفت، ضعف بنیان‌های اندیشه‌ای و نظری سیاستگذاری روستایی در ایران به‌عنوان مهم‌ترین عامل در پیدایش و تداوم سیاستگذاری متمرکز، بخشی و بالا به پایین عمل کرده است. در این بستر، سیاست‌هایی که تدوین می‌شوند از منظر نهادی و سرزمینی یکپارچه نیستند و از سویی، فرایند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی منسجم و متصل نبوده و بازخورد مناسب شکل نمی‌گیرد. از این رو در وضعیت کنونی توجه به سیاستگذاری یکپارچه بخشی - فضایی ضرورت دارد. این ضرورت باید با توجه به تمرکززدایی اداری - فضایی و سیاستگذاری یکپارچه سرزمینی فراهم شود که پیامد آن کاهش نسبی بخشی‌نگری و توجه به سیاست‌های فضایی در نظام سیاستگذاری و برنامه‌ریزی است. به این ترتیب، پاسخ به پرسش نخست پژوهش روشن شد. در ادامه، در راستای هدف غایی پژوهش، طراحی الگوی چالش‌های تدوین سیاستگذاری فضایی مناطق روستایی کشور، با نظریه داده‌بنیاد، الگویی با اجزای زیر استخراج شد.

شکل ۱. الگوی کنونی چالش‌های تدوین سیاستگذاری فضایی



۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

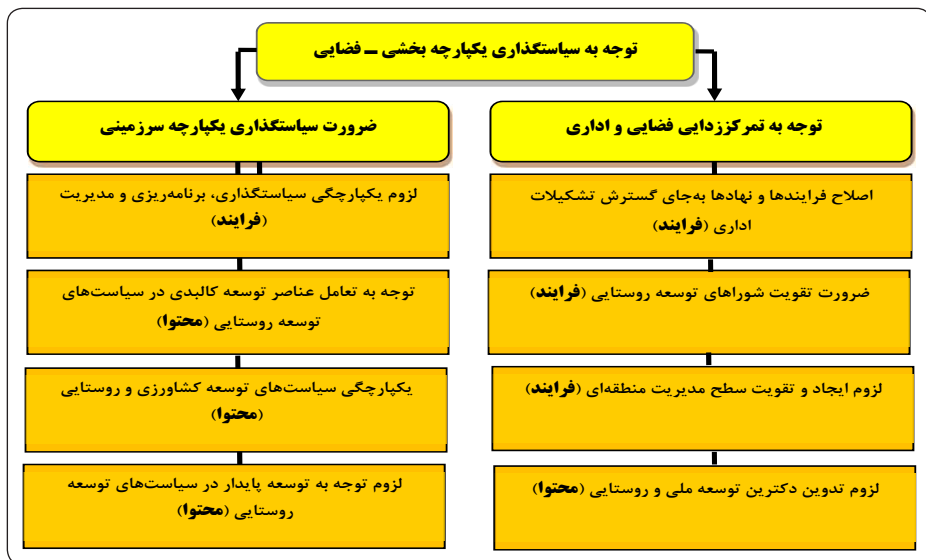
نتایج پژوهش نشان داد، سیاستگذاری بخشی، متمرکز و بالا به پایین به مثابه پدیده اصلی در الگوی کنونی سیاستگذاری مناطق روستایی نقش ایفا می‌کند که خود حاصل ضعف در بنیان‌های اندیشه‌ای و نظری سیاستگذاری روستایی در ایران است. ازسویی، شرایط زمینه‌ای «عدم یکپارچگی سرزمینی و نهادی سیاست‌های توسعه روستایی» و عوامل مداخله‌گر «عدم یکپارچگی فرایند تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی» نیز این نوع سیاستگذاری را تشدید می‌کنند.

نتایج حاصل از مقایسه میان مرور ادبیات پژوهش و الگوی کنونی تدوین سیاستگذاری فضایی مناطق روستایی ایران نشان می‌دهد که الگوی کنونی دارای ویژگی‌های بالا به پایین و متمرکز و مبتنی بر پارادایم قدیم توسعه روستایی و منطقه‌گرایی قدیم است. از این رو ایجاد تحول در الگوی کنونی نیازمند توجه به سیاستگذاری فضایی مبتنی بر رهیافت شبکه‌ای است که مطابق تجارب کشورهای عضو همکاری‌های اقتصادی و توسعه در گرو پیروی از پارادایم‌های جدید توسعه و سیاستگذاری روستایی است. پارادایمی که بر مکان‌ها به جای بخش‌ها و روی سرمایه‌گذاری به جای یارانه دادن تأکید می‌کند.

برای پاسخ به پرسش دوم پژوهش و برای برون‌رفت از وضعیت موجود، بایستی یکپارچگی سیاست‌های بخشی - فضایی در دستور کار قرار گیرد که به‌عنوان راهبردهای پژوهش صورت‌بندی شده است. در شکل ۲ راهبردهای مذکور از منظر محتوا و فرایند سیاستگذاری دسته‌بندی شده است.

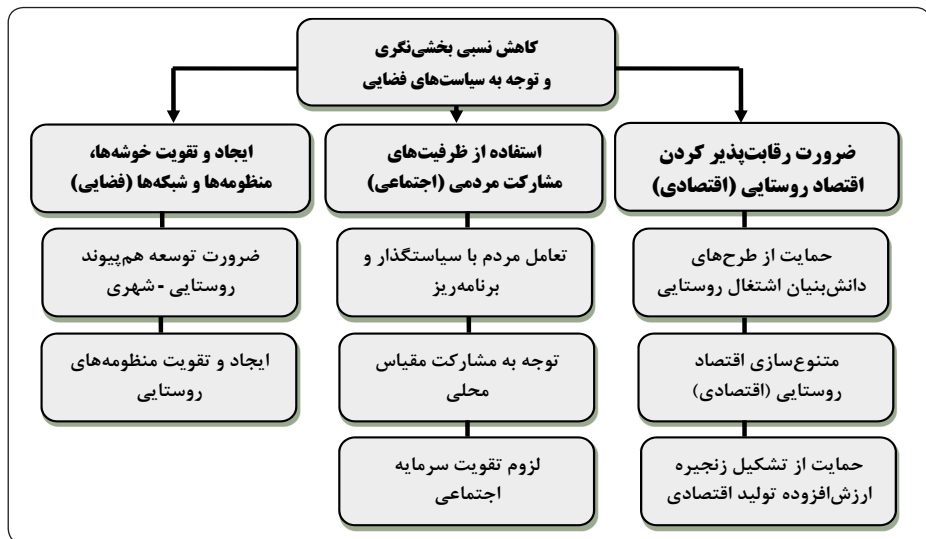
همچنین، پیامدهای حاصل از این راهبردها شامل کاهش نسبی بخشی‌نگری و توجه به سیاست‌های فضایی است که شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فضایی می‌شوند (شکل ۳).

شکل ۲. الگوی راهبردهای تدوین سیاستگذاری فضایی



مأخذ: همان.

شکل ۳. الگوی پیامدهای تدوین سیاستگذاری فضایی



مأخذ: همان.

منابع و مآخذ

۱. پورطاهری، مهدی، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و سیدعلی بدری (۱۳۹۰). راهبردها و سیاست‌های توسعه کالبدی سکونتگاه‌های روستایی، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
۲. دانایی‌فرد، حسن و سیدمجتبی امامی (۱۳۸۶). «استراتژی پژوهش کیفی؛ تأملی بر نظریه داده‌بنیاد»، اندیشه مدیریت، ۱(۲).
۳. دانایی‌فرد، حسن و آذر اسلامی (۱۳۹۰). کاربرد استراتژی پژوهشی نظریه داده‌بنیاد در عمل؛ ساخت نظریه بی‌تفاوتی سازمانی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
۴. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۸). سیاست‌ها و رهنمودهای کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پیوست یک لایحه)، تهران، سازمان برنامه و بودجه.
۵. فیروزنیا، قدیر، عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و سیدعلی بدری (۱۳۸۹). چشم‌انداز و نظام مدیریت برنامه‌ریزی توسعه کالبدی نواحی روستایی ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۵). «اظهارنظر کارشناسی درباره طرح جامع توسعه و عمران روستایی کشور»، شماره مسلسل ۱۵۰۶۹.
۷. معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری (۱۳۹۵). سند توسعه روستایی، تهران، انتشارات کوشا.
8. Albrechts, L. (2004). "Strategic (Spatial) Planning Re-examined", *Environment and Planning B.: Planning and Design*, 31.
9. Castells, M. (2000). *The Rise of the Network Society* (2nd Ed.), Oxford: Blackwell.
10. Cheshire, Pau (2017). "Identifying Principles for Spatial Policy: Levels of Intervention", London School of Economics, Available on: www.apdr.pt/siteRPER/numeros/RPER13/13.4.pdf
11. Cockfield, Geoff (2013). "Rural and Regional Policy: A Case of Punctuated Incrementalism?", *Australian Journal of Public Administration*, Vol. 72, No. 2.
12. Creswell, J. W. (2005). *Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research* (2nd Ed.), Pearson Education Publication: University of Nebraska-Lincoln.

13. Esparcia, J. (2014). "Innovation and Networks in Rural Areas", *Journal of Rural Studies*, 34.
14. Fernández, Walter D. (2004). "Using the Glaserian Approach in Grounded Studies of Emerging Business Practices", *Electronic Journal of Business Research Methods*, 2(2).
15. Freshwater, D. (2007). *Rural Development and the Declining Coherence of Rural Policy: An American and Canadian Perspective*, University of Kentucky.
16. Gkartzios, M. and M. Scott (2014). "Placing Housing in Rural Development: Exogenous, Endogenous and Neo-endogenous Approaches", *Sociologia Ruralis*, 54(3).
17. Gkartzios, M. and P. Lowe (2019). "Revisiting Neo-endogenous Rural Developmen", In: M. Scott, N. Gallent and M. Gkartzios (Eds.), *The Routledge Companion to Rural Planning*, London, Routledge.
18. Lee, J. (2001). *A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use*, Unpublished Doctoral Dissertation, University of Nebreska, In Proquest UMI Database.
19. Lefevrve, H. (1991). *The Social Pproduction of Space*, Oxford, Blackwell.
20. Lowe, P., J. Phillipson, A. Proctor and M. Gkartzios (2019). "Expertise in Rural Development: A Conceptual and Empirical Analysis", *World Development* 116.
21. Mantino, Francesco (2011) "Developing a Territorial Approach for the CAP", A Discussion Paper: IEEP (Institute for European Environmental Policy), Available on: <http://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.472.9539&rep=rep1&type=pdf>
22. OECD (2001). *The DAC Guidelines, Strategies for Sustainable Development*, OECD Publication.
23. _____ (2006). *The New Rural Paradigm: Policies and Governance*, OECD Rural Policy, Reviews, Paris.
24. _____ (2003). *The Future of Rural Policy: From Scrotal to Place-based Policies in Rural Areas*, Paris; 248 pages.

25. Prager, K., B. Nienaber, B. Neumann and A. Phillips (2015). "How Should Rural Policy be Evaluated if it Aims to Foster Community Involvement in Environmental Management?", *Journal of Rural Studies* 37.
26. Reimer, B. and S. Markey (2008). "Place-based Policy: A Rural Perspective"; 7 November 14 Pages with 49-page Appendix (Ottawa, On: Human Resources and Social Development Canada), Available on: https://www.crcresearch.org/files-crcresearch_v2/ReimerMarkeyRuralPlaceBasedPolicySummaryPaper20081107.pdf
27. Reimer, Bill and Matthew Brett (2013). "Scientific Knowledge and Rural Policy: A Long-distant Relationship", *Sociologia Ruralis*, Vol. 53, No. 3.
28. Strauss, A. and J. Corbin (1998). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*, London, SAGE.
29. Torre, A. and F. Wallet (2016). *Regional Development in Rural Areas: Analytical Tools and Public Policies*, Springer Briefs in Regional Science.
30. Van der Ploeg, J. G. and T. Marsden (2008). *Unfolding Webs: Enlarging Theoretical Understanding of Rural Development*, In: J. G. Van der Ploeg and T. Marsden (Eds.), Van Gorcum, Assen.
31. Ventura, F., G. Brunori, P. Milone and G. Berti (2008). *The Rural Web: A Synthesis*, In: J. D. Van der Ploeg and T. Marsden (Eds.), *Unfolding Webs: The Dynamics of Regional Rural Development*, Van Gorcum, Assen, Netherlands.
32. Wallis, A. (2002). "The New Regionalism: Inventing Governance Structures for the Early Twenty-first Century", Available Online at <http://www.miregions.org/> Accessed 23 August 2011.
33. Williams, R. H. (1996). *European Union Spatial Policy and Planning*, London, Chapman Publishing, 283 pages.

